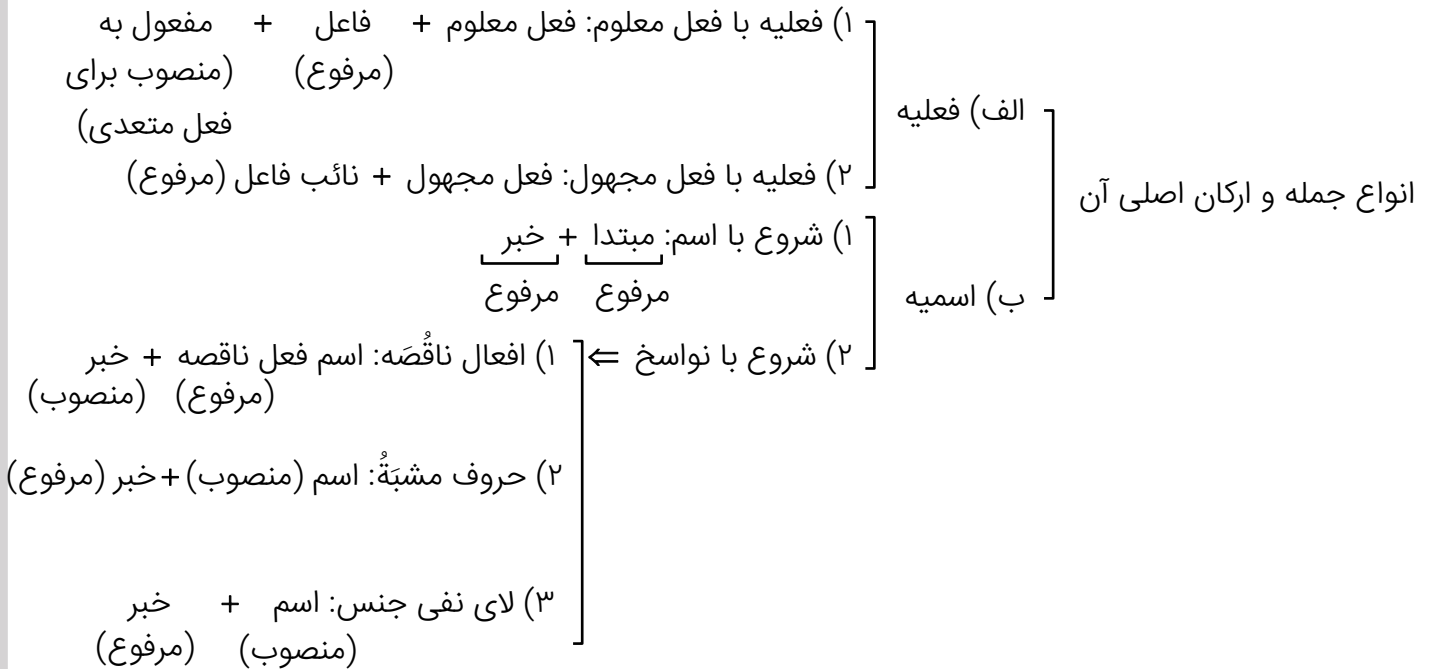


بررسی نقش‌ها در جمله در زبان عربی:

یکی از مهمترین مهارت‌های زبان عربی، پیدا کردن نقش کلمات در جمله می‌باشد که قطعاً داشتن این مهارت، ما را در حل تست‌های قواعدی کمک می‌کند. اکنون به بررسی نقش‌ها و انواع جملات می‌پردازیم:



نقش‌های نامبرده، ارکان اصلی جمله هستند و علاوه بر آنها، جمله دارای نقش‌های دیگری نیز می‌باشند که در ادامه آنها را نیز بررسی می‌کنیم.

اکنون به توضیح و بررسی نقش‌های اصلی جمله می‌پردازیم:

الف: فاعل، نائب فاعل، اسم فعل ناقصه:

در زبان عربی، ۳ نوع فعل وجود دارد که به ترتیب عبارتند از فعل معلوم، فعل مجهول، فعل ناقصه

- **فعل معلوم:** فعل‌هایی که به‌طور عادی در جملات می‌بینیم همگی معلوم هستند و همواره دارای فاعل با اعراب مرفوع می‌باشند.

- **فعل مجهول:** فعلی که فاعل ندارد و به جای فاعل دارای نائب فاعل با اعراب مرفوع می‌باشد و در زبان عربی فعل

عین‌الفعل

حرف اول

—

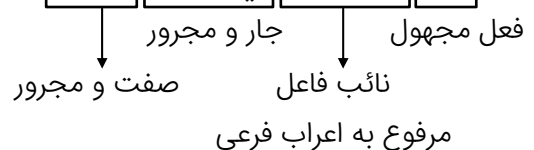
ماضی: (ـَ)

* (ـِ)

مضارع: (ـُ)

مجهول دارای نشانه‌های زیر می‌باشد ← فعل مجهول

مثال: ظَلِمَ الْمَظْلُومُونَ فِي الْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ.



فعل ناقصه: فعلی که جمله‌ای اسمیه می‌سازد و دارای نقشی به نام، اسم فعل ناقصه با اعراب مرفوع می‌باشد و این فعل‌ها در زبان عربی عبارتند از:

کان، صار، لیس، أَصْبَحَ، مادام، مازال

تذکر: همان‌طور که گفتیم در زبان عربی فعل معلوم دارای فاعل، فعل مجهول دارای نائب فاعل و فعل ناقصه دارای اسم فعل ناقصه می‌باشد که روش پیدا کردن این ۳ رکن در تمام این فعل‌ها یکسان می‌باشد که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

تذکر: در توضیح فقط از فاعل صحبت می‌کنیم اما بدانید پیدا کردن نائب فاعل در فعل مجهول و همچنین اسم فعل ناقصه در فعل ناقصه نیز دقیقاً مثل فاعل می‌باشد:

فاعل: به ازای هر فعل معلوم یک فاعل داریم که باید حتماً بعد از فعل بیاید و کننده‌ی کار می‌باشد و در جواب (کی؟ - چی؟) می‌آید و دارای اعراب مرفوع می‌باشد. انواع فاعل عبارتند از:

(۱) **ضمیر بارز:** ضمیر موجود در صرف فعل را ضمیر بارز می‌نامند و اکثر فعل‌ها در صرفشان دارای ضمیر می‌باشند
مثل: اجْتَمَعُوا فی‌الشارع.

فاعل ضمیر بارز واو

(۲) **اسم ظاهر:** اگر فاعل یا کننده‌ی کار به صورت یک اسم، بعد از فعل بیاید آن را فاعل از نوع اسم ظاهر می‌نامند.

يُدْرَسُ المعلم فی‌الصف.
فاعل

(۳) **ضمیر هستند:** اگر فاعل ضمیر بارز و اسم ظاهر نداشته باشیم، فاعل را ضمیر مستتر در فعل در نظر می‌گیریم.

المعلم يُدْرَسُ فی‌الصف.
فعل و فاعل هو مستتر

تذکر: انواع نائب فاعل و اسم فعل ناقصه نیز دقیقاً مانند تقسیم‌بندی فاعل می‌باشد. اکنون به بررسی نوع فاعل، نائب فاعل و اسم فعل ناقصه در صیغه‌های متفاوت می‌پردازیم:

(۱) در صیغه‌های ۱۴ / ۱۳ / ۷ مضارع و ۱ امر مخاطب همواره فاعل، نائب فاعل یا اسم فعل ناقصه، ضمیر مستتر می‌باشند.

نحن أنا أنت أنت

(۲) در صیغه‌های ۱/۴ ماضی، مضارع از روش * - ✓ برای پیدا کردن فاعل و دوستان استفاده می‌کنیم:

اگر در صیغه‌های ۱/۴ قبل از فعل کننده‌ی کاری آمده باشد، فاعل ضمیر مستتر می‌باشد و اگر کننده‌ی کار قبل از فعل نیامده باشد فاعل به صورت اسم ظاهر بعد از فعل می‌آید:

کننده کار ۱/۴ فاعل ضمیر مستتر

کننده کار * ۱/۴ فاعل اسم ظاهر
فعل

۳) بقیه‌ی صیغه‌ها همواره دارای ضمیر بارز هستند
 ب) مفعول به : همان مفعول فارسی می‌باشد که در جواب (چه کس را؟ - چه چیز را؟) با اعراب منصوب می‌آید. در مورد مفعول به به نکات زیر دقت کنید:
 ۱) اگر ضمیر متصل نصبی (ه، هما، هم، ها، هُنَّ . . .) به انتهای فعل چسبیده باشد، این ضمیر همواره مفعول به خواهد بود.

تُضَعَّفُهَا حَوَادِثُ الْاَيَّامِ
 فعل مفعول به فاعل و مرفوع مضاف الیه مجرور

۲) در عربی نقش متمم وجود ندارد بنابراین کلمه‌ای که معادل متمم فارسی باشد، در عربی مفعول به در نظر گرفته می‌شود.

وَاجَهَ الْاِنْسَانِ مَشْكَلَاتٍ عَدِيْدَةً
 فعل فاعل و مرفوع مفعول به صفت و منصوب
 منصوب فرعی

۳) برخی از افعال در عربی برای تکمیل معنای خود به دو مفعول احتیاج دارند که در فارسی معادل : گذرا به مفعول مفعول، مفعول متمم و مفعول سند می‌باشند و مهمترین آنها در عربی عبارتند از :

جَعَلَ، عَطَى، رَزَقَ، وَعَدَ، وَهَبَ، سَأَلَ، اَلْبَسَ، اَحْسَبَ، سَمَّى، مَنَعَ . . .
 قراردادی بخشیدی روزی داد وعده داد بخشید پرسید پوشاند به حساب نامید بخشید
 آورد

تذکر: جملاتی که در فارسی گذرا به مفعول و متمم هستند از راه ترجمه به راحتی قابل تشخیص هستند اما در سایر موارد، بهترین راه برای تشخیص جملات ۲ مفعولی این است که اگر از فاعل جمله ۲ سؤال بپرسیم:

۱) چه کس را - چه چیز را ؟
 ۲) کسی؟ - چی؟

اگر فاعل به هر ۲ سؤال پاسخ دهد، قطعاً فعل ۲ مفعولی است و در غیر این صورت فعل دو مفعولی نخواهد بود.

مثال: ۱) رَزَقْنَا اِلَيْهِ رِزْقًا طَيِّبًا
 فعل مفعول به فاعل مفعول به صفت
 اول ثانی

۲) اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
 فعل امر و مفعول به مفعول به صفت و منصوب
 فاعل انت اول ثانی
 هستند.

۳) نَسَمَى هَذَا الْعَالِمَ عَادِلًا
 فعل و مفعول به مشارالیه مفعول به ثانی
 فاعل نحن اول اول منصوب منصوب
 هستند منصوب

۴) يَأْكُلُ هَذَا الطِّفْلَ طَعَامًا حَرِيصًا
 فعل فاعل و مشارالیه و مفعول به مفعول به ثانی
 محلاً مرفوع مرفوع اول اول نیست
 حال و منصوب
 است

(ج) مبتدا: تشخیص مبتدا یکی از ساده‌ترین نقش‌ها در زبان عربی می‌باشد زیرا اسم ابتدای جمله که جمله‌ی اسمیه را آغاز می‌کند مبتدا نامیده می‌شود و همواره دارای اعراب مرفوع خواهد بود.

(د) خبر: تشخیص خبر برای دانش‌آموزان عموماً یکی از سخت‌ترین نقش‌هاست بنابراین به توضیح کامل آن می‌پردازیم و البته بدانید اعراب خبر نیز مرفوع است.

خبر تکمیل‌کننده‌ی معنای مبتداست یعنی دقیقاً آن قسمتی که راجع به مبتدا خبر می‌دهد را به عنوان خبر در نظر می‌گیریم. اما مسئله این است که گاهی اوقات دانش‌آموزان با تشخیص ترجمه حتی نمی‌توانند خبر را پیدا کنند که اکنون به بررسی انواع خبر می‌پردازیم:

(۱) **خبر مفرد (اسم):** هرگاه تکمیل‌کننده‌ی معنای مبتدا یک اسم یا یک گروه اسمی باشد، آن را خبر مفرد می‌نامیم. زمانی که تکمیل‌کننده‌ی معنا یک اسم باشد، همان تک اسم را خبر می‌گوییم اما اگر یک گروه اسمی تکمیل‌کننده‌ی معنا باشد، در این شرایط فقط اسم اول گروه را خبر می‌گیریم و اسم‌های بعدی گروه مضاف‌الیه یا صفت یا معطوف و ... خواهند بود. مثال:

الشکر	لخالقنا	أقل	شیء .
مبتدا	جار و م. الیه	خبر	م. الیه
	مجرور	(مفرد)	
		گروه اسمی	

جهدی	فی لیلۃ	الامتحان	جهدٌ	مفیدٌ .
مبتدا م. الیه	جار و مجرور	م. الیه	خبر و صفت	مرفوع
			مرفوع	

تذکر: همواره اسم اشاره + اسم بدون ال یک جمله‌ی اسمیه کامل محسوب می‌شود.
 مبتدا خبر (مفرد)

(۲) **خبر جمله (محلاً مرفوع):** هرگاه یک جمله (اسمیه یا فعلیه) تکمیل‌کننده‌ی معنای یک جمله باشد، دیگر اسم اول آن جمله را خبر نمی‌گیریم بلکه کل جمله را خبر از نوع جمله در نظر می‌گیریم و در این شرایط خبر محلاً مرفوع خواهد بود. مثال:

هذا	التلميذ	لا يتكاسلُ	فی دروسه .
مبتدا	مشارالیه	فعل و فاعل	جار و مجرور م. الیه
	مرفوع	هو مستتر	
		خبر از نوع جمله محلاً مرفوع	

الرمال	فی الصحرا	عند	طلوع	الشمس	لونما	کلون	العسل .
مبتدا	جار و مجرور	مفعول فیه	م. الیه	م. الیه	مبتدا م. الیه	جار و مجرور	م. الیه
					مرفوع		

خبر از نوع جمله محلاً مرفوع

۳) خبر از نوع شبه‌جمله (محلاً مرفوع): هرگاه تکمیل‌کننده‌ی یک جمله، یک شبه‌جمله باشد آنرا خبر از نوع شبه‌جمله می‌نامیم. شبه‌جمله‌ها در زبان عربی عبارتند از:

- (۱) جار و مجرور (فی البیت)
(۲) ظرف و مظروف (عند الغروب)
↓ ↓
م. الیه + اسم

کمال العقل في اغتنام الفرص .
مبتدا م. الیه جار و مجرور م. الیه

خبر شبه‌جمله محلاً مرفوع

تذکر: دقت کنید خبر از نوع شبه‌جمله در اولویت آخر خبر می‌باشد یعنی اگر بین خبر اسم و جمله با خبر شبه‌جمله شک کنیم، حتماً اولویت با خبر اسم و جمله خواهد بود.

تجارب الحیاة خیر معلم للعاقل .
مبتدا م. الیه خبر (مفرد) م. الیه جار و مجرور
مرفوع

خبر مقدم و مبتدا مؤخر: هرگاه خبر از نوع شبه‌جمله باشد و مبتدا یک اسم نکره یا اسم موصول عام (من و ما) باشد می‌توانیم جای مبتدا و خبر را عوض کنیم که در این شرایط: خبر را مقدم و مبتدا را مؤخر گویند بنابراین: اگر جمله با یک (جار و مجرور یا ظرف و مظروف) آغاز شود و بعد از آن یک اسم نکره یا موصول عام ببینیم، به یاد خبر مقدم و مبتدای مؤخر می‌افتیم.

تذکر مهم: هناک در ابتدای جمله‌ی اسمیه مبتدا نیست بلکه همواره خبر مقدم محسوب می‌شود.
تذکر مهم: اگر بعد از شبه‌جمله‌ی ابتدای جمله، یک اسم معرفه داشته باشیم دیگر خبر مقدم در کار نیست و جمله‌ی اسمیه از آن اسم معرفه شروع می‌شود و شبه‌جمله‌ی ابتدا دیگر خبر نیست فقط شبه‌جمله‌ی عادی می‌باشد.

مثال: لكل كاتب أسلوبٌ خاصٌ في كتابة رسائله
خبر مقدم م. الیه مبتدای مؤخر صفت جار و مجرور جار و مجرور م. الیه
شبه جمله‌ی ابتدای جمله اسم نکره

في تلك الحديقة رائحة الازهار كثيرة
جار و مجرور مشارالیه مبتدا م. الیه خبر (مفرد)
شبه جمله‌ی ابتدای جمله اسم معرفه به اضافه

دیگه خبر مقدم نداریم

من المومنين من ياعدون الآخرين
خبر مقدم مبتدای مؤخر فعل و فاعل مفعول به و منصوب
شبه جمله موصول عام صله ← وله !!!

* **جمله صله:** هر گاه و در هر کجای جمله یک اسم موصول (چه عام، چه خاص) ببینیم دقیقاً چسبیده به آن موصول عبارتی می‌آید که تکمیل‌کننده‌ی معنای موصول می‌باشد، این جمله یا عبارت را صله‌ی موصول گویند و همواره می‌گوییم: (صله ← وله!!!) یعنی صله هیچ نقش اسم از اعم، جمله‌ی وصفیه، حالیه به خود نمی‌گیرد ولی خودش یک جمله‌ی جدید و مستقل است اما در جمله‌ی قبلی هیچ نقشی ایفا نمی‌کند.

هـ) خبر افعال ناقصه و حروف مشبّهه و خبر لاقه نفع جنس:

دقیقاً این خبرها همگی مثل خبر جمله‌ی اسمیه پیدا و بررسی می‌شوند فقط در افعال ناقصه اعراب خبر منصوب خواهد بود.

و) **اسم حروف مشبّهه:** دقیقاً مانند مبتدا پیدا می‌شود فقط اعرابش منصوب خواهد بود و همچنین باید بدانید خبر متصل نصبی (ه - هما - هم - ها - هما - هنّ) که به حروف مشبّهه متصل می‌باشند در نقش اسم آنها ظاهر می‌گردند.

تذکر: بدانید در حروف مشبّهه و همچنین افعال ناقصه می‌توان جای اسم و خبر را عوض کرد و به آنها خبر مقدم و اسم موخر گفت.

ز) **اسم لاقه نفع جنس:** اسم چسبیده به لا ← اسم لای نفی جنس با اعراب منصوب می‌باشد و هیچ‌گاه خبر بر آن مقدم نمی‌شود.

یادآور:

افعال ناقصه عبارتند از: كَانَ - صَارَ - لَيْسَ - أَصْبَحَ - مَادَامَ - مَا زَالَ
 بود شد نیست شد مادام که همیشه

حروف مشبّهه عبارتند از: إِنَّ - أَنْ - كَأَنَّ - لَكِنَّ - لَعَلَّ - لَيْتَ
 قطعاً که گویی اما شاید ای کاش = لیت
 هم تشدید داشت

نقش‌های اصلی جمله را کامل بررسی می‌کنیم و اکنون به بررسی گروه‌های اسمی می‌پردازیم:

ح) **مضاف و مضاف‌الیه:** هرگاه چند اسم پشت سر هم بیایند یک گروه اسمی را تشکیل می‌دهند که اسم اول نقش مناسب در جمله را می‌گیرد (اصطلاحاً هسته‌ی اصلی گروه می‌باشد) و اسم‌های دوم به بعد همگی مضاف‌الیه یا صفت یا مضاف‌الیه یا معطوف خواهند بود که اگر این اسم‌ها معنی صفتی بدهند، صفت هستند و اگر معنی صفتی ندهند در نقش مضاف‌الیه و همواره مجرور خواهند بود.

أَفْضَلُ أَصْدِقَائِي مِنْ حَافِظُوا عَلِيَّ أَسْرَارِي
 مبتدا م. الیه م. الیه خبر فعل و فاعل جار و مجرور م. الیه
 گروه اسمی مفرد (صله وله)

تذکر: هر اسمی که (مضاف‌الیه) باشد، اسم قبل از آن در جایگاه مضاف خواهد بود و اسمی که مضاف است - به هیچ عنوان ال و تنوین نمی‌گیرد و اگر اسم مضاف، جمع مذكر سالم یا مثنی باشد حتماً نون آن باید حذف شود ← (مضاف ال می‌پروانه، مضاف نون می‌پروانه، مضاف تنوین پروانه)

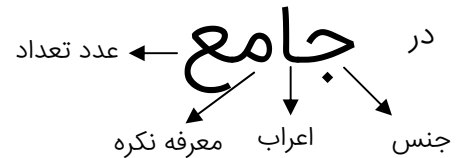
رَجَعَ تَلْمِيذًا هَذِهِ الْمَدْرَسَةَ إِلَى بَيْتِهِمَا
 فعل فاعل و م. الیه مشارالیه جار و م. الیه
 مجرور مرفوع

تذکر: ترکیب اسم + ضمیر ← همیشه اضافی است و ضمیر در نقش مضاف‌الیه خواهد بود.

تذکر: اسم‌هایی مثل کل، بعض، جمیع، ذو، ذا، ذی، احد، عند، قبل، ... دائم‌الاضافه هستند یعنی همواره در جایگاه مضاف خواهد بود و اسم بعد از آنها همیشه مضاف‌الیه نامیده می‌شود.

تذکر: اسم‌هایی مثل ضمیر، موصول - اسم اشاره ممنوع‌المضاف هستند، یعنی اسم بعد از آنها به هیچ عنوان مضاف‌الیه نمی‌باشد.

(ط) موصوف و صفت: حال اگر در گروه اسمی اسم‌های دوم به بعد معنی صفتی بدهند نقش صفت به خود می‌گیرند و بدانید صفت اعرابش تابع موصوف خواهد بود و حتماً صفت باید با موصوفش تطابق داشته باشد.



مثال: یوگد الاطباء علی أكل
 العسل الطبیعی و هو
 مبیید
 للجراثیم
 فعل فاعل و جار و مجرور
 م.الیه صفت و مبتدا
 خبر و مرفوع
 جار و مجرور
 مرفوع
 مجرور مجرور

تذکر مهم: اسم اشاره + اسم ال دار می‌باشد که مشار در جمله نقش می‌پذیرد و مشار الیه اعرابش تابع مشار

مشار
مشارالیه

می‌باشد. ← مشار الیه اگر مشتق باشد آن را صفت و اگر جامد باشد آن را عطف بیان می‌نامند.

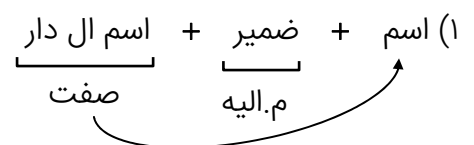
تذکر مهم: اسم ال دار + اسم موصول خاص ← یک ترکیب وصفی است و اسم موصول خاص در این شرایط صفت خواهند بود.

تذکر مهم: صفت‌های نسبی (اسم منسوب در عربی = اسم + ی) همواره در ترکیب‌ها صفت محسوب می‌شوند.

مثال: هذه الانهار الجاریة تسیر الی البحار الکبیرة
 مبتدا و مشارالیه
 مرفوع
 مرفوع
 فعل و
 فاعل هی
 جارو
 جارو
 صفت و
 صفت و
 مستتر

خبر و محلاً مرفوع

تذکر مهم: گروه‌های اسمی اضافی و وصفی می‌توانند به صورت ترکیبی هم بیایند، یعنی در یک گروه هم مضاف الیه و هم صفت بیاید که در عربی ابتدا مضاف الیه و سپس صفت می‌آید و این ترکیب‌ها عموماً به صورت زیر می‌آید:



(۲) اسم + اسم ال دار + اسم ال دار
صفت م.الیه
در این ترکیب صفت ممکن است به اسم اول یا اسم دوم برگردد و با هر کدام که تطابق در (جامع) داشته باشد به آن بر می‌گردد

تمرین: در جملات زیر نقش تمام کلمات را مشخص کنید.

(۱) إَجْعَلْ سَمَكْتَكِ الْحَمْرَاءَ فِي النَّهْرِ.

(۲) هَذِهِ الْقَلَادَةُ فِي عُنُقِ الطِّفْلِ جَمِيلَةٌ.

(۳) سَافَرْتُ إِلَى مَنَاطِقِ إِيرَانَ الْمَخْتَلِفَةِ.

(۴) تَقَعُ مَدِينَتُنَا الصَّغِيرَةُ فِي جَنُوبِ بِلَادِ إِيرَانَ.

(۵) تَرَكْتُ أُسْرَتِي مَدِينَةَ طَهْرَانَ حَتَّى تَسْكُنَ فِي ضَوَاحِيهَا.

(۶) إِنَّ قِصَّةَ أَيُّوبَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ إِحْدَى الْقِصَصِ الْمَعْرُوفَةِ.

(۷) إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنْ أَفْصَحِ لُغَاتِ الْعَالَمِ لِلتَّكَلُّمِ.

(۸) أُمُّ فَاطِمَةَ الْمَشْفِقَةَ رَاضِيَةً عَنِ أَعْمَالِ بِنْتِهَا.

(۹) فِي مَسَاجِدِ هَذِهِ الْمَدِينَةِ قَدْ عُلِّقَتْ مَصَابِيحٌ كَبِيرَةٌ مِنَ السَّقْفِ.

(۱۰) أَرْجُو أَنْ أَزُورَ مَكَّةَ الْمَكْرَمَةَ فِي نَهَايَةِ هَذَا الشَّهْرِ.